تفسیر ملاصدرا

معرف

مجموعه‌ای از تفاسیر برخی سوره‌های قرآن به عربی از ملاصدرا * (متوفی ۱۰۵۰)

متن

تفسیر ملاصدرا ، مجموعه‌ای از تفاسیر برخی سوره‌های قرآن به عربی از ملاصدرا * (متوفی ۱۰۵۰). وی این تفاسیر را به‌صورت رساله‌های پراکنده و در مدتی کمتر از بیست سال نوشت.تفاسیر ملاصدرا به‌ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم و در یک جلد، به‌کوشش شیخ‌احمد شیرازی به نام تفسیر ملاصدرا چاپ سنگی شد (تهران ۱۳۲۲؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ٤، ص ۲۷۸). سه بار نیز این رساله‌ها در هفت مجلد به نام التفسیرالکبیر و تفسیر القرآن الکریم به چاپ رسیده است (چاپ اول: قم ۱۳٦۱- ۱۳٦٤ ش، چاپ دوم: قم ۱٤۱۱/ ۱۳٦٦ ش، چاپ سوم: قم ۱۳۷۹- ۱۳۸۰ ش).ملاصدرا قصد داشت تفسیری کامل و جامع بنویسد، ولی موفق نشد. وی در حدود ۱۰٤۰، کتاب مفاتیح الغیب لفتح خزائن العلوم المُبْرَأة عن الشک و الریب را نوشت تا مقدمه‌ای بر تفسیر جامع او باشد (آقابزرگ‌طهرانی، ج ٤، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ صدرالدین شیرازی، اسرارالآیات ، ص ۳٦۷، پانویس ۱).رساله‌های تفسیری ملاصدرا، عبارت‌اند از: ۱) تفسیر آیةالکرسی (تاریخ اتمام آن: ۱۰۳۰، در قم). ۲) تفسیر سورة نور (تاریخ نگارش: ۱۰۳۰). نسخهٔ خطی این اثر به خط خود او موجود است (صدرالدین شیرازی، تفسیرالقرآن الکریم ، ج ٤، ص ٤۲۷، مقدمهٔ خواجوی، ص ۷؛ همو، تفسیر سورة جمعه ، مقدمهٔ خواجوی، ص ٦؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ٤، ص ۳۳۱، ۳۳٤).۳) تفسیر سورة طارق (تاریخ نگارش: ۱۰۳۰). نسخهٔ خطی این اثر در کتابخانهٔ یکی از نوادگان دختری ملاصدرا، در کاشان، موجود است. این تفسیر به‌طور جداگانه در تهران چاپ سنگی شده است. ٤) تفسیر سورة اعلی ، شامل «هفت تسبیح» (هفت بخش)، که ملاصدرا در آن از تفسیر فخررازی مطالب بسیاری نقل کرده است. این اثر در ۱۳۰۵ در پایان کتاب کشف‌الفوائد علامه حلّی چاپ سنگی شد. ٥) تفسیر سورة زلزال ، که در آن به حرکت ذاتی و جوهری زمین اشاره کرده است (صدرالدین شیرازی، تفسیر سوره‌های طارق... ، مقدمهٔ خواجوی، ص ۳-٥؛ همو، تفسیر سورة جمعه ، همانجا؛ همو؛ تفسیرالقرآن الکریم ، ج ۷، ص ۳٥۹، ۳٦۱-٤۰۷، ج ٤، مقدمهٔ خواجوی، ص ۷؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ٤، ص ۳۳٦). ٦) تفسیر سورة یس (تاریخ نگارش: ۱۰۳۰). ۷) تفسیر سورة واقعه ، که در آن از حشر و معاد و معرفت بندگان در آخرت و مراتب آنان در سعادت و شقاوت سخن گفته است. این اثر در ۱۳۲۲ چاپ سنگی شد (صدرالدین شیرازی، تفسیر سورة واقعه ، مقدمهٔ خواجوی، ص ۳؛ همو، تفسیر سورة جمعه ، همانجا؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ٤، ص ۳۳٤؛ نیز رجوع کنید به صدرالدین شیرازی، تفسیرالقرآن الکریم ، ج ۷، مقدمه، ص ۹-۱۰). ۸) تفسیر سورة حدید ، که در بخشهای متعددی از آن با عنوان «مکاشفه»، نکاتی حِکْمی و عرفانی در بارهٔ آیات قرآن آمده است. ۹) تفسیر سورة جمعه ، که همچون تفسیر سورة واقعه مطالب عرفانی و ذوقی بیشتری، نسبت به دیگر آثار او، دارد. نسخهٔ خطی این اثر به خط مؤلف در کتابخانهٔ یکی از نوادگان دختری ملاصدرا، در کاشان، موجود است (صدرالدین شیرازی، تفسیر سورة جمعه ، همانجا؛ همو، تفسیر القرآن الکریم ، ج ٤، مقدمهٔ خواجوی، ص ۷، نیز رجوع کنید به ج ٦، ص ۱٤۰-۳۲۷، ج ۷، ص ۱۳٥- ۳۰٥). ۱۰) تفسیر سورة سجده . ۱۱) تفسیر سورة فاتحه . ۱۲) تفسیر سورة بقره تا آیهٔ ٦٦ . نسخهٔ خطی این اثر به خط مؤلف در کتابخانهٔ مسجد اعظم قم موجود است. این اثر همراه با آیةالکرسی و سورهٔ فاتحه در ۱۳۰۲ چاپ سنگی شد (آقابزرگ‌طهرانی، ج ، ص ۳۳۱، ۳۳۷، ۳٤۰؛ صدرالدین شیرازی، تفسیر سورة جمعه ، همانجا؛ همو، تفسیر القرآن الکریم ، ج ۱، مقدمه بیدارفر، ص ۹٤).برخی از سوره‌های مجموعهٔ تفاسیر ملاصدرا به‌فارسی ترجمه شده است، از جمله تفسیر سوره‌های واقعه و جمعه و «طارق، اعلی و زلزال» و نور را محمد خواجوی در چهار مجلد چاپ کرده است (تهران ۱۳٦۳ ش).به ملاصدرا چند رساله در تفسیر سوره‌های ضُحی'، طلاق و کافرون نسبت داده‌اند (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم ، ج ۱، مقدمهٔ بیدارفر، ص ۱۱۸؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ٤، ص ۳۳٦- ۳۳۸).ملاصدرا در بارهٔ تفسیر قرآن آثار دیگری هم دارد که آنها را پس از تفاسیر مذکور نوشته است. این آثار بترتیب عبارت‌اند از: ۱) مفاتیح‌الغیب ، که پس از رسایل تفسیری، سیزدهمین اثر ملاصدرا در بارهٔ تفسیر قرآن است. وی در این کتاب به شرح اصول و مبانی تفسیر خود پرداخته و کوشیده است که از تفسیر قرآن به منزلهٔ کلیدی (مفتاح) برای پاسخگویی به مسائل هستی بهره گیرد (صدرالدین

شیرازی، مفاتیح‌الغیب ، مقدمة خواجوی، ص نح، س). وی در این اثر مباحث فلسفی و عرفانی را همراه با برخی آرا و تعبیرات بزرگانی چون غزالی و فخررازی و ابن‌عربی آورده‌است (همان مقدمه، ص س). نسخهٔخطی این کتاب، به قلم علم‌الهدی'، فرزند فیض و نوادهٔ دختری ملاصدرا، که از روی متن دست‌نویس ملاصدرا کتابت شده، در قم و نجف موجود است (همان، ص ف، فا؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج۲۱، ص ۳۰۵). این کتاب در ۱۳۶۳ش، به‌تصحیح محمد خواجوی و همراه با تعلیقات ملاعلی نوری، در تهران چاپ شد. ترجمهٔ این کتاب در همان سال، با مقدمهٔ مفصّل علی عابدی‌شاهرودی، به‌چاپ رسید (صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب ، مقدمهٔ خواجوی، ص فا، فب).۲) متشابه القرآن ، که رساله‌ای کوچک در شش فصل در بارهٔ معنای متشابه است (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۱۹، ص ٦۲). نسخهٔ خطی این رساله در تهران در مجموعهٔ سیدمحمد مشکاة و در کتابخانهٔ سیدنصرالله تقوی‌اخوی موجود است (همانجا). این اثر در مجموعه‌ای با عنوان رسائل فلسفی ، به تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، انتشار یافته است (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم ، ج ۱، مقدمهٔ بیدارفر، ص ۱۰۲-۱۰۳).۳) اسرارالآیات و انوارالبینات ، که منتخبی از آیات قرآن است و سه «طرف» (فصل)، در بارهٔ علم ربوبی و افعال خدای تعالی و معاد، دارد که در ضمن آنها لطایف حکمی و عرفانی را با قرآن تطبیق داده و حدود ۱۲۰۰ بار به آیات قرآن استشهاد کرده است (همو، تفسیر سورة جمعه ، همانجا؛ همو، اسرارالآیات ، مقدمهٔ خواجوی، ص شانزده). نسخهٔ خطی این کتاب به قلم مؤلف در کتابخانهٔ عبدالحسین تهرانی در کربلا موجود است (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۲، ص ۳۹). این اثر بارها چاپ شده است، از جمله در ۱۳۱۹ در تهران با تعلیقات آخوند ملاعلی نوری (همانجا؛ صدرالدین شیرازی، تفسیرالقرآن‌الکریم ، ج ۱، مقدمهٔ بیدارفر، ص ۹۲، ۱۰۹). محمد خواجوی این کتاب را ترجمه و چاپ کرده است (تهران ۱۳٦۳ ش).ملاصدرا رسایل تفسیری خود را در فواصل زمانی گوناگون نوشته است؛ ازینرو، در شیوهٔ کار او اختلافاتی وجود دارد. برخی از آنها مختصرترند و او در آنها از شیوهٔ مفسران چندان دور نشده است؛ مثلاً، در تفسیر سورهٔ بقره، به تبعیت از مجمع‌البیان ، بخش ادبی را از بقیهٔ مطالب، که آنها را «معنی» نامیده، جدا کرده است. برخی دیگر از تفاسیر او مفصّل و به شیوهٔ تفاسیر ذوقی عرفانی‌اند، بخصوص رساله‌هایی که در اواخر عمرش نوشته است (صدرالدین شیرازی، تفسیرالقرآن الکریم ، ج ۳، ص٤٥٠-٤٦٦).ملاصدرا عالم را سه گونه (دنیا، آخرت و عالم الاهیت) می‌دانسته و عقیده داشته است که الفاظ قرآن نیز گاهی بر پدیدارهای آشکار و محسوس (دنیا)، گاهی بر سرّ (حقیقت و باطن آخرت) و گاهی بر سرّ سرّ (باطنِ باطن یا عالم الاهیت) دلالت دارند (رجوع کنید به همو، مفاتیح الغیب ، ص ٥٨). به همین علت، او از کسانی که تفسیر قرآن را فقط محدود به بحثهای لغوی و ادبی و قرائت و نقلِ روایت می‌دانند، انتقاد کرده و آنان را «اهل‌القول و العبارة» یا پرستندگان و بندگان مذاهب و آرا و خواهندگان نفس و هوا خوانده است (رجوع کنید به همان، ص۳۰؛ همو، تفسیر القرآن الکریم ، ج ۷، ص ۱۸٤).ملاصدرا در تفسیر ابتدا به سراغ تفاسیر و عقاید پیروان هریک از فرقه‌ها، حتی آنهایی که با مذاق او سازگار نبوده‌اند، رفته و به این ترتیب، به‌شیوهٔ اغلب مفسران به بحثهای صرفی و نحوی و بلاغی و روایی و اختلاف قرائت و اقوال صحابه و تابعین پرداخته و گاه آنها را نقد کرده است. وی در این موارد، از تفاسیر مشهور، مانند تفسیر نیشابوری، بیضاوی، ثعالبی، علی‌بن ابراهیم قمی و خصوصاً کشاف زمخشری و مجمع‌البیان بهره گرفته است (رجوع کنید به صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم ، جاهای متعدد).ملاصدرا در موارد بسیار، برای تفسیر آیات، از دیگر آیات استفاده کرده؛ مثلاً، در تفسیر سورهٔ حمد، که مجموعاً هفت آیه دارد، بیش از صد بار به آیات دیگر استناد کرده است (طاهری، ص ٥٨).در مرحلهٔ دوم تفسیر قرآن، ملاصدرا مطالبی از خود یا کسانی که آنها را «اهل‌الکشف و الاشاره» یا «اهل‌الله» نامیده، آورده است. این مطالب مشتمل بر لطایف عرفانی و حکمی‌اند. در این مرحله، او از سخنان خواجه‌عبدالله انصاری، بایزید بسطامی، جُنَید بغدادی، سهل تُستَری و خصوصاً از غزالی، ابن‌عربی و شارحان آثار ابن‌عربی، مانند صدرالدین قونیوی و قیصری، استفاده کرده و آرای آنان را با لحنی ستایش‌آمیز نقل نموده (رجوع کنید به صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم ، ج ۱، ص ۳۰، ۱۰٤-۱۱۰، ۱۵۷- ۱۵۸، ۳۲۷، ۳۷۲- ۳۷٥، ج ۲، ص ۲۸٥-۲۸۷، ۳٦٦-۳٦۷، ج ٤، ص ۳۱٤، ۳۱۸-۳۲۱؛ طاهری، ص ٥۹) و از اشعار عرفانی مولوی و عطار و سنایی، که آنها را از حکیمان شمرده، نیز بهره گرفته است (رجوع کنید به صدرالدین شیرازی، تفسیرالقرآن الکریم ، ج ۳، ص ۲۲٥، ۳٥۲، ج ٤، ص ۱٦، ۳۲، ۱۷٥، ۲٥۹، ٤۰٥، ج ٦، ص ۲۳-۲٤، ۳۳، ۸۹، ج ۷، ص ۲۸٥). ملاصدرا برخی اشعار فارسی خود را نیز در ضمن تفاسیرش آورده است (رجوع کنید به همان، ج ٤، ص ٤۰۸، ج ٦، ص ۹-۱۰، ۳٤).او به آرا و آثار فیلسوفان اسلامی و پیش از اسلام نیز توجه کرده و آنان را ستوده است. وی از رسالهٔ نیروزیهٔ ابوعلی‌سینا، که او را استاد

فیلسوفان مسلمان خوانده، مطالب فراوانی در تفسیر حروف مقطّعه نقل کرده (رجوع کنید به همان، ج ۱، ص ۲۱۵ـ۲۲۱، ج ٦، ص ۱۵ـ۱۷) و از کتاب اثولوجیا ، منسوب به ارسطو، مطالبی در بارهٔ نشئه‌های سه‌گاه انسان نقل نموده و آن را با قرآن تطبیق داده است (رجوع کنید به همان، ج ۳، ص ۱۰٦ـ۱۰۷). ملاصدرا ارسطو را نیز ستوده چندانکه از پیامبراکرم نقل کرده که در حق او فرموده‌اند که او پیامبری از پیامبران بود و قوم وی قدرش را نشناختند (رجوع کنید به همان، ج ۳، ص ۱۰۵ـ۱۰٦). وی آیهٔ ۱۲۲ سورهٔ انعام را با نظریهٔ فُرفوریوس، که او را پیشوای مشائیان و بزرگترین شاگرد ارسطو معرفی کرده، تطبیق داده است (رجوع کنید به همان، ج ۷، ص ۲۲٤ـ ۲۲۵). به نظر ملاصدرا، حکیمان یونانیِ پیش از افلاطون مصداق آیهٔ «... رِجالٌ صَدَقوُا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیْهِ...» (احزاب: ۲۳) بودند و با روانهای پاک و دلهای طاهر به معراج رفتند. او حکیمان را اهل‌بیت حکمت دانسته ــ همانگونه که امامان، اهل‌بیت نبوت و ولایت‌اند ــ و بر ایشان درود فرستاده است (همان، ج ۷، ص ٤۱۸).ملاصدرا، در ضمن تفاسیرش، بسیاری از عقاید فلسفی و عرفانی خود را مطرح کرده و، با استناد به آیات قرآن، بر صحت آنها استدلال نموده است. این عقاید عبارت‌اند از:۱) وجود مراتب در شناخت حقیقت مطلق، یعنی هر موجودی متناسب با مرتبهٔ وجودی خود بخشی از حقیقت را می‌شناسد و حتی بت‌پرستان نیز گوشه‌هایی از حقیقت را دریافته‌اند و بنابراین، از یک نظر خداپرستند، زیرا بتها را به‌عنوان خدا می‌پرستند (همان، ج ۲، ص ۱۱۲، ۳۱۷).۲) اصالت و وحدت وجود، بدین‌معنا که در هستی هیچ‌چیز جز ذات حق و افعال او، که صورت نامها و مظاهر صفات او هستند، وجود ندارد (همو، اسرارالاٰیات ، ص ۲٤).۳) توحید خاصی، بدین معنا که خداوند «بسیط الحقیقه» است و هر وجود و هر کمال وجودی برای او حاصل است و از طریق او به ماسوی' فیضان می‌یابد و او باید تمام وجود باشد و تمام او وجود باشد (همو، تفسیر القرآن الکریم ، ج ۱، ص ٦۲).٤) حرکت جوهری، بدین‌معنا که همهٔ جوهرهای مادّی، اعم از آسمانی و زمینی، ذاتاً در سیلان‌اند و قابلیت دگرگونی در ذات آنهاست و همواره نو می‌شوند (همان، ج ۱، ص ۱۱۲، ج ۲، ص ۱۱، ۲٦۸؛ همو، مفاتیح‌الغیب ، ص ۳٦٤).۵) قوس صعود و نزول مقام انسان. غایت و مقصود اصلی از خلقتِ همهٔ آفریدگان، انسان حقیقی است و مبدأ و معاد یا آغاز و انجام انسان خداست. توجه و عنایت حق نیز، از اول امر تا پایان جهان، به او بوده است (همو، تفسیرالقرآن الکریم ، ج ۱، ص ۱۰۲).٦) تطابق عالم صورت و معنی. خدا در عالم صورت هر چه آفریده در عالم معنی نیز همان را آفریده است و در عالم معنی نیز هر چه هست در عالم حق (غیب الغیوب) وجود دارد؛ بنابراین، هر چه در این جهان هست، مثال و قالبی است برای آنچه در جهان آخرت وجود دارد و آنچه در عالم آخرت وجود دارد، مثالی است برای حقایق و اعیان ثابته * که مظاهر اَسمای خداوندند (همان، ج ٤، ص ۱٦٦).۷) نفس «جسمانیةالحدوث و روحانیةالبقا» است. پدیدآمدن نفس به‌سبب استعداد بدن برای تحول به مرتبهٔ روحانی و بقای نفس به‌سبب ملکات نفسانیِ راسخ در آن است (همو، اسرارالاٰیات ، ص ۱٤۲ـ۱٤۳).۸) همهٔ انسانها با بدن محشور نمی‌شوند، کسانی که در دانش به کمال رسیده‌اند، هنگام برانگیخته شدن در محضر حق موجوداتی کاملاً غیرجسمانی و جدا از مادّه و در سلک فرشتگان‌اند (همو، تفسیر القرآن الکریم ، ج ٦، ص ۷٤).۹) دائمی نبودن عذاب دوزخ. ملاصدرا دلایل معتقدان به دائمی نبودن دوزخ، مانند ابن‌عربی و صدرالدین قونیوی و دیگر شارحان فصوص ، را بتفصیل و به گونه‌ای تأییدکننده نقل نموده و از فتوحات و فصوص و شرح قیصری بر فصوص مطالب بسیاری آورده و حدیثی از رسول اکرم و سخنی از ابن‌مسعود در تأیید آن ذکر کرده، ولی پاسخ مخالفانِ آنان را تنها در دو سه سطر نقل نموده است (همان، ج ۱، ص ۳٦۵ـ۳۷۷). البته ملاصدرا در پاره‌ای از آثار خود عقیده‌ای بر خلاف این نظریه اظهار داشته است (برای نمونه رجوع کنید به همان، ج ۹، ۳۵۳).۱۰) خروج از تکلیف. به‌نوشتهٔ ملاصدرا، کسانی که مغلوب احوال عرفانی می‌شوند (مجذوبان) تکلیفی ندارند و به مقتضای حال خود عمل می‌کنند (همو، مفاتیح‌الغیب ، ص ٤۸٦).۱۱) دعوت به استقلال فکری و پیروی از دلیل. ملاصدرا عظمت افراد را ملاک درستی آرای ایشان ندانسته و کسانی را که به‌عنوان پیشوایان دین، معتقدات خود را بر پایهٔ تقلید از دیگران نهاده‌اند و کسانی را که عقاید دینی را با استناد به معجزه و سخنان دیگران ثابت می‌کنند، نکوهش کرده است (همو، تفسیر القرآن الکریم ، ج۲، ص ٦۲، ۲۹۵، ج ۳، ص ۳۷٦ـ ۳۷۸، ج ۵، ص ۱۳). به‌عقیدهٔ وی، کمال و عبودیت در آزادگی فکری است (همان، ج ۲، ص ۱۲٤).منابع: آقابزرگ‌طهرانی؛ محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی، اسرارالاٰیات ، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳٦۳ ش؛ همو، تفسیر القرآن الکریم ، چاپ محمد خواجوی، قم ۱۳۷۹ـ۱۳۸۰ ش؛ همو، تفسیر سورهٔ جمعه ، ترجمه و تصحیح و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳٦۳ ش؛ همو، تفسیر سورهٔ واقعه ، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳٦۳ ش؛ همو، تفسیر سوره‌های طارق و اعلی و زلزال ، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران

۱۳٦۳ ش؛ همو، مفاتیح‌الغیب ، با تعلیقات علی نوری، چاپ محمد خواجوی، تهران ۱۳٦۳ ش؛ صدرالدین طاهری، «گزارشی از تفاسیر صدرالمتألهین بر قرآن کریم»، خردنامة صدرا ، ش ۱ (اردیبهشت ۱۳۷٤.(